

## تبیین نقش و کارکرد آموزه جهاد در فرایند انقلاب اسلامی ایران

تاریخ دریافت: ۹۵/۵/۶

تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۰/۲

حجت داوند<sup>۱</sup>، محمدحسین جمشیدی<sup>۲</sup>

### چکیده

هدف از این پژوهش بررسی تأثیر آموزه جهاد در شکل‌گیری انقلاب اسلامی از رهگذر تبیین نقش محوری آن به مثابه روش مبارزه انقلاب است. سؤال اصلی مطرح این است که نحوه مواجهه انقلابیون با مقوله جهاد چگونه بوده و این طرز تلقی چه کارکردی در تحقق انقلاب داشته است؟ در پاسخ مفهوم جهاد و انواع نگرش‌ها به آن واکاوی شد و ضمن مطالعه تحولات منجر به انقلاب اسلامی، با پردازش مفهوم «جهاد به مثابه انقلاب»، این فرضیه مطرح شد که روش مبارزه در انقلاب اسلامی، ضابطه‌مند بوده و ریشه در فرهنگ اسلامی داشته و از اصل چند وجهی و ذوالابعاد جهاد ملهم شده است. به منظور تأیید فرضیه پژوهش، ابتدا زمینه‌های لازم برای مبارزه در هر انقلاب از جمله انقلاب اسلامی برشمرده شده و سپس تأثیر توجه به جهاد در آنها ذکر شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، مفهوم جهاد به مثابه انقلاب، که مبین روش مبارزه انقلاب اسلامی است، در بردارنده و مخرج مشترک کلیه ابعاد و جهات آموزه جهاد از جمله جهاد اکبر، جهاد اصغر، جهاد تبلیغی و جهاد مسلحانه است که شیوه و ترتیب به‌کارگیری آنها در فقه و منابع اسلامی آمده و در انقلاب اسلامی نیز به همان صورت به اجرا گذاشته شده است. همچنین بررسی زمینه‌ها و مراحل مختلف وقوع انقلاب اسلامی شامل ایدئولوژی، بسیج، رهبری و کنش جمعی انقلابی، که روش انقلاب را نمایان می‌سازند، نیز مؤید این معناست که روش مبارزه در انقلاب اسلامی از آموزه جهاد مایه گرفته است.

واژگان کلیدی: جهاد، انقلاب اسلامی، اسلام، امام خمینی (ره)، بسیج عمومی

۱ دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده مسئول)

h.davand@modares.ac.ir

۲ استادیار دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس jamshidi@modares.ac.ir

### مقدمه و بیان مسئله

انقلاب‌های گوناگونی که تا کنون در جهان روی داده‌اند براساس معیارهای مختلفی از جمله جهان‌نگری عام یا غایت‌شناسی و ایدئولوژی، نیروهای فعال در انقلاب یا بر مبنای روش‌ها و ابزارهای انقلاب یا دستاوردهای آن تقسیم‌بندی شده‌اند. در این میان، یکی از مهم‌ترین معیارهای شناخت انقلاب‌ها معیار جهان‌بینی و ایدئولوژی است (مطهری، ۱۳۸۹: ۶۳) که بر مبنای آن می‌توان انقلاب‌ها را در نگرشی عام، به لیبرالیستی، مارکسیستی و اسلامی تقسیم‌بندی نمود. به لحاظ ایدئولوژی، اسلامی بودن انقلاب ایران امری واضح و مبرهن است. در انقلاب ایران، حتی بسیاری از گروه‌های مارکسیستی و لیبرالی هم گرایش‌ات اسلام‌گرایانه داشتند و با رهبری امام خمینی و زیر پرچم اسلام، متحد شدند و با شاه مخالفت کردند (Berkley Center, 2013: 5). حتی اندیشمندان غربی نیز، که از بیرون به جامعه و انقلاب ایران نگریسته‌اند، هم متوجه این موضوع شده‌اند. برای نمونه، میشل فوکو، که در سال پیروزی انقلاب دو بار به ایران سفر کرد (۲۵ شهریور تا ۲ مهر و ۱۸ تا ۲۴ آبان) و از نزدیک شاهد تحولات انقلاب بود (فوکو، ۱۳۹۲: ۸)، با ابراز شگفتی از بی‌باکی و از جان‌گذشتگی مردم ایران می‌نویسد: «وقتی ایرانیان از حکومت اسلامی حرف می‌زنند، وقتی جلوی گلوله در خیابان‌ها، آن را فریاد می‌زنند، وقتی به نام آن زدوبندهای حزب‌ها و سیاست‌مداران را رد می‌کنند و با این کار شاید خطر حمام خون را به جان می‌خرند، چیزی جز این فرمول‌ها، که به همه‌جا راه می‌برد و به هیچ‌جا راه نمی‌برد، در سرشان می‌گذرد. و در دلشان هم چیز دیگری می‌گذرد، به نظر من به واقعیتی می‌اندیشند که به ایشان بسیار نزدیک است؛ زیرا خود بازیگر آن‌اند» (رمضان نرگسی، ۱۳۸۸). وی ضمن رد احتمال وجود انگیزه‌های مادی، محرک‌های دینی و مذهبی را عامل بروز این کنش‌ها می‌داند و چنین تحلیل می‌کند: «در برابر قدرت‌های مستقر، تشیع، پیروان خود را به نوعی بی‌قراری مدام مسلح می‌کند و در ایشان شوری می‌دمد که هم سیاسی و هم دینی است» (ذوالفقاری و میرزایی، ۱۳۹۳: ۳۰). فوکو مراسم آئین‌ها و سمبل‌ها و سالگردهای تاریخی اسلامی را نیز منبع تراوش قدرت در نظر می‌گیرد. وی ضمن اشاره به اینکه در ایران، کار تعیین تاریخ مراسم سیاسی با تقویم است، می‌نویسد: «امسال روز دوم دسامبر، ماه محرم آغاز می‌شود، در این ماه، ایرانیان برای شهادت امام حسین (ع) عزاداری می‌کنند... این ماه زمانی است که مردم در خلسه از خودگذشتگی، باکی ندارند که به کام مرگ بروند، یک مشاور آمریکایی امیدوار است که اگر ماه

محرم را مقاومت کنیم، همه چیز را می‌توان نجات داد وگرنه... وزارت خارجه آمریکا هم منتظر سالگرد شهادت امام شهید است» (خوشروزاده، ۱۳۸۳: ۴۳).

یکی دیگر از پژوهشگران غربی که پیروزی انقلاب اسلامی را معلول فرهنگ اسلامی و تحت‌تأثیر ایدئولوژی جهادگرایانه دینی می‌داند تدا اسکاچپل، از جامعه‌شناسان ساختارگرای معاصر، است. وی در مقاله «دولت تحصیل‌دار و اسلام شیعی در انقلاب ایرانیان»، اذعان می‌کند نظریه ساختارگرایانه‌ای که در مورد منشأ انقلاب‌های اجتماعی ارائه داده‌است و حاصل تحقیقات تاریخی وی در مورد انقلاب‌های فرانسه، چین، روسیه و همچنین کشورهای جهان سوم بوده با پیروزی انقلاب ایران زیر سؤال رفته‌است. او که به تبعیت از چارلز تیلی، وقوع انقلاب را منوط به وجود زمینه‌هایی همچون ضعف دستگاه سرکوب حکومت مرکزی، درگیری در یک جنگ خارجی یا فشارهای بین‌المللی می‌دانست، و نقش ایدئولوژی و اراده انسانی را ناچیز می‌شمرد، در مورد انقلاب ایران با وضعیتی که عکس موارد فوق را نشان می‌داد مواجه شد (skocpol, 1982: 266). لذا او پس از پیروزی انقلاب اسلامی، با تغییری اساسی در نظریه‌های پیشین خود، نقش جوهری و انکارناپذیر ایدئولوژی و فرهنگ اسلامی را در انقلاب ایران مورد توجه قرار داد و اعلام کرد که اگر بخواهیم یک انقلاب آگاهانه در جهان را نام ببریم، آن انقلاب ایران است. وی در تحلیل توان ایدئولوژی اسلام شیعی در متحد کردن همه ایرانیان، بر این باور است که اسلام شیعی با رهبری سازش‌ناپذیر توانست یک مسیر ملی-بومی برای مقابله با شاه ایجاد کند (محمد میرزایی و ابوطالبی، ۱۳۹۳: ۱۷۸). این داوری‌ها مؤید این است که مردم ایران با تکیه بر معنویت و جهاد اسلامی مبارزه خود را به پیروزی رسانده‌اند.

هرچند تا کنون تحقیقات زیادی در مورد ایدئولوژی و جهت‌گیری دینی انقلاب ایران صورت گرفته‌است، اما در مورد نقش ایدئولوژی اسلام، به‌صورت خاص، در روش مبارزه و بسیج مردمی در انقلاب اسلامی یا غفلت شده یا به‌ندرت مورد توجه قرار گرفته‌است. از سوی دیگر، مطالعه اقدامات و مبارزات منتج به انقلاب اسلامی و روند حرکت آن از ظهور ایده مبارزه تا شکل‌گیری روند قیام و پیدایش بارقه‌های پیروزی و نیز شعارهای انقلابی و نشان می‌دهد که همواره مسأله جهاد به‌مثابه روش و محور بسیج عمومی مورد توجه و پیروی بوده‌است. بنابراین دغدغه ما در این تحقیق، پرداختن به نقش یکی از مهم‌ترین ابعاد ایدئولوژیک انقلاب اسلامی یعنی مسأله «جهاد» به مثابه الگو و روش مبارزه انقلابی در تحقق انقلاب اسلامی خواهد بود که تاکنون به لحاظ آکادمیک مورد توجه قرار نگرفته‌است.

## اهداف و سؤالات تحقیق

۱. آموزه جهاد چه تعریف و جایگاهی در اندیشه اسلامی دارد؟
۲. استمساک به این اصل دینی چه تأثیری بر تحقق انقلاب اسلامی گذاشته است؟
۳. جهاد چه نقشی در شکل‌گیری و تقویت بسیج عمومی، ایدئولوژی، سازمان‌دهی و رهبری و روحیه انقلابیون در فرایند انقلاب اسلامی داشته است؟
۴. چگونه می‌توان نقش جهاد را به منزله روش مبارزه در انقلاب اسلامی تبیین کرد؟

## پیشینه پژوهش

بررسی‌ها نشان می‌دهد تنها در دو پژوهش به صورت مستقیم، هرچند ناقص و گذرا، به جهاد و رابطه آن با انقلاب اسلامی اشاره شده است. اولین پژوهش مقاله «ارزش‌های جهاد و شهادت در شعارهای انقلاب اسلامی» است. نویسنده در این مقاله تنها به اهمیت آموزه‌های جهاد و شهادت در بسیج توده‌های مردم اشاره کرده و انعکاس آن را در شعارهای انقلابی با روش تحلیل محتوا به نمایش گذاشته است. هدف اصلی این مقاله بنا به موضوع نشان دادن اهمیت نقش جهاد در شعارهای انقلابی بوده است (پناهی، ۱۳۸۵) و بدیهی است که از پرداختن به تمامی زوایای اثرگذاری آموزه جهاد در فرایند پیروزی انقلاب اسلامی بازمانده است.

مقاله «بررسی رابطه فرهنگ سیاسی شیعه و پیروزی انقلاب اسلامی» پژوهش بعدی است که نویسنده به دنبال بیان این مطلب بوده که سایر فرهنگ‌های سیاسی جامعه ایران نتوانستند از زمینه‌ها و عوامل انقلاب استفاده کنند و تنها فرهنگ سیاسی شیعی، با توجه به تحولاتی که به‌ویژه در دو دهه منتهی به انقلاب اتفاق افتاد، جامعه ایرانی را به سوی انقلاب رهنمون کرد. این مقاله را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد که بخش اول به بیان دیدگاه‌های مخالف با نظر نویسنده و نفی آنها اختصاص داده شده و در بخش دوم مقاله نیز شاخصه‌های فرهنگ سیاسی شیعه و تأثیر آنها بر شکل‌گیری انقلاب اسلامی بیان شده که به دلیل تعدد این شاخص‌ها، تنها اشاره گذرایی به جهاد و شهادت شده است (حسنی، ۱۳۸۸).

درحالی‌که تعیین‌کنندگی جهاد در تحقق انقلاب اسلامی تا حدی است که برخی از ناظران خارجی همچون میشل فوکو، که از بیرون به انقلاب اسلامی نگریسته‌اند، تفاوت ایدئولوژی دینی انقلاب اسلامی با ایدئولوژی‌های مادی سایر انقلاب‌ها را دریافته‌اند (خرمشاد، ۱۳۸۴: ۳۱-۳۲) و بدون آنکه فرهنگ ریشه‌دار جهاد در اسلام را مورد واکاوی دقیق قرار دهند، از وحدت

جامعه ایران حول محور اهداف معنوی و اسلامی سخن گفته‌اند. بنابراین علی‌رغم نقش مهم و تعیین‌کننده جهاد در انقلاب، این خلأ پژوهشی در ادبیات مرتبط با انقلاب اسلامی وجود دارد. بر همین مبنا، در این نوشتار تلاش خواهد شد تا با کاوش در مفهوم جهاد و بازنمایی اثرگذاری آن بر انقلاب اسلامی، تا حد بضاعت، این خلأ پژوهشی پوشش داده شود.

## ملاحظات نظری

### الف) مفهوم جهاد

مفهوم جهاد از ریشه جهد به معنای زحمت طاقت‌فرسا، تلاش فوق‌العاده (جمشیدی، ۱۳۸۹:۳۸۰) یا جهد به مفهوم قدرت، توان و استطاعت (جمشیدی، ۱۳۸۹:۳۸۰) است. در فرهنگ عربی المنجد، آمده که جهد گاهی به معنای حداکثر توان و طاقت و گاهی به معنای سختی و دشواری به کار برده می‌شود و جهاد و مجاهده به کارگیری آنچه که در توان است (معلوف، ۱۹۳۱:۱۰۵) می‌باشد. همچنین اشاره شده که در اصطلاح، جهاد به معنای مبارزه برای دفاع از دین است (معلوف، ۱۹۳۱:۱۰۵). در لسان‌العرب نیز بر کثرت و نهایت سعی در حد وسعت و طاقت در گفتار و کردار تأکید شده است (ابن منظور، ۱۴۱۴هـ.ق: ۱۳۵/۳). در فرهنگ واژگان معجم الوسیط نیز واژه جهد به معنای جدیت و تحمل سختی در کار تا رسیدن به مطلوب معنا شده و جهاد در اصطلاح شرعی، به معنای مبارزه با کفار آمده است (انیس و همکاران، ۱۴۲۵:۱۴۲). بنابراین در مفهوم جهاد عناصر تلاش، وسع و طاقت، رسیدن به مطلوب و سختی و دشواری همه ملحوظ است.

در اصطلاح دینی، جهاد هم به مثابه مفهومی اخلاقی «مجاهدت با هواهای نفسانی و هوس‌های شیطانی» (جمشیدی، ۱۳۸۹:۳۸۲) یا جهاد اکبر (العاملی، ۱۴۰۱هـ.ق: ۱۲۳/۱۱) و کلامی - فقهی: کاربرد نهایت وسع و توان برای قتال در راه خدای عزوجل با نفس (جان) و مال (دارایی) و زبان یا غیر آن است (الرکابی، ۱۴۱۸هـ.ق/۱۹۹۷م: ۱۶-۱۷). پس با مفاهیمی چون حرب، قتال و جنگ، که فاقد بار ارزشی‌اند شامل هر نوع نبرد، درگیری و نزاع با هر هدف و مقصودی اعم از مادی یا معنوی می‌شوند، تفاوت دارد. همان‌گونه که با مفهوم محدود غزا، که صرفاً بیان‌گر جنگ در راه دین است، تفاوت دارد (جمشیدی، ۱۳۸۹: ۳۷۹-۳۸۰).

**ب) چارچوب مفهومی**

چارچوب مفهومی این پژوهش را مفهوم «جهاد به مثابه انقلاب» تشکیل می‌دهد. لذا در این پژوهش، رویکرد جدیدی به مسئله انقلاب ارائه شده و آن در نظر گرفتن انقلاب به منزله نوعی جهاد در راه خداوند یکتاست. برای دستیابی به این منظور ابتدا لازم است تا گرایش‌های انحرافی در زمینه جهاد، که در طول تاریخ اسلام اتفاق افتاده، را مورد بررسی اجمالی قرار دهیم و از این رهگذر به معرفی الگوی جهاد به منزله روش مبارزه در انقلاب اسلامی بپردازیم. با بررسی تاریخی گرایش‌های جهادی به سه جهت‌گیری عمده می‌توان اشاره کرد.

دسته اول طرفداران نگرش تفریطی؛ یعنی گروهی هستند که اصل جهاد و مجاهده را در عمل نفی و انکار می‌کنند و اعتقادی به مبارزه در راه حق و حقیقت ندارند. برای نمونه می‌توان اندیشه مرجئه را در این دسته جای داد. مرجئه گروهی بودند که اندیشه‌های کلامی-سیاسی آنان به دنبال قتل عثمان و بحران‌های سیاسی-اجتماعی ناشی از آن، شکل گرفت. طرفداران مرجئه از گرایش‌های چندی به وجود آمده بودند. برخی از آنان از شناخت حق و باطل ناتوان بودند و در کوران بحران زمانه و داوری و بیان نظر در مورد حکام و فرمانروایان قرار داشتند، همین موضوع موجب شد که در امور سیاسی، خود را در مقام و موضع داوری و انتقاد قرار نمی‌دادند. برخی دیگر از آنها به دلایل سازش‌کارانه و عاقبت‌طلبی مایل نبودند در امور و تنش‌های سیاسی-اجتماعی اتخاذ موضع کنند، به همین دلیل با پذیرش اصل ارجاع داوری به خداوند، سکوت خود را توجیه می‌کردند (قادری، ۱۳۸۷: ۶۵).

دسته دوم گرایش‌های افراطی در تبیین و کاربرد مفهوم جهاد مانند خوارج در تاریخ صدر اسلام و جریان سلفی-تکفیری در دوران معاصر را شامل می‌شود. اینان برداشت انحرافی و بدعت‌آمیزی از مفهوم جهاد ارائه می‌کنند که حاصل آن چیزی جز تروریسم نیست. توجه به اندیشه و رفتارهای جریان سلفی آشکار می‌سازد که مفهوم جهاد در نزد جریان تکفیری دچار قلب مفهومی شده و زمینه اقدامات تروریستی از سوی گروه‌هایی همچون طالبان و القاعده را فراهم آورده است (یزدانی و شیخون، ۱۳۸۹: ۲۰۹). یکی از مهم‌ترین و موثرترین مبنای کلامی سلفیان جدید توسعه معنایی و مصداقی کفر است. آنها به قدری دایره کفر را گسترده‌اند که هرکسی غیر از خودشان را در برمی‌گیرد. سلفیه همه دولت‌های اسلام، از جمله دولت مصر، را کافر می‌داند. درواقع، اندیشه‌ها و آرای سلفیان این نکته را تصدیق می‌کند که حربۀ تکفیر جوازی است برای انجام هرگونه عملیات جهادی (عدالت نژاد و نظام الدینی، ۱۳۹۰: ۱۸۳).

اما الگوی سوم، یعنی الگوی اعتدالی نگرش به مفهوم جهاد که تبیین و پیاده‌سازی راستین و اصیل مفهوم جهاد در حوزه عمل را به نمایش می‌گذارد، همان الگویی است که در قرآن بدان اشاره شده و در سیره پیامبران و معصومین نیز قابل مشاهده است. چنان‌که فارسی معتقد است نهضت‌های جهادی و انقلابی پیامبران در شیوه از اصول واحدی پیروی کرده‌اند. برای نمونه پیامبر اکرم به مبارزه اعتقادی در همین جهت دست زد و براساس فرمان الهی « وَجَاهِدْهُمْ بِهٖ جِهَادًا كَبِيرًا » ابتدا با قرآن بر ضد مشرکان به جهادی عظیم پرداخت. موسی (ع) نخست به همین شیوه مبادرت جست و قرآن مبارزات تبلیغی‌اش در برابر فرعون را نقل کرده است. بسیاری از پیامبران، از جمله عیسی (ع)، وقتی می‌دیدند که تأسیس دولت در دوره حیاتشان امکان‌پذیر نیست، به تکوین ملت یا هسته اولیه آن اکتفا می‌کردند (فارسی، ۱۳۶۱: ۳۲). اما این لزوماً به معنای توقف در این مرحله نیست و گاهی مبارزات سیاسی پیامبران و امامان با طاغوت به درگیری نظامی و مسلحانه منجر می‌شده است. قیام کربلا توسط امام حسین (ع) از این نظر بزرگترین درس جهاد به مثابه انقلاب است (شهیدی، ۱۳۷۶) از این رو در ابتدا، جهاد فرهنگی و غیرمسلحانه برای بیداری و بسیج توده‌ها الزامی است و در مراحل بعدی انقلاب، اگر لازم شد، از روش جهاد مسلحانه در قالب جهاد داخلی (فارسی، ۱۳۵۷) می‌تواند برای مقابله با سرکوب حکومت و اسقاط آن بهره گرفته شود. این رویکرد جهادی، الهام‌بخش مبارزه در انقلاب اسلامی نیز بوده است که در ادامه شرح آن خواهد آمد.

در توضیح «جهاد به مثابه انقلاب»، باید گفت که جهاد بر مبنای هدف، مبارزه با ظلم و کفر و تلاش در حد طاقت در جهت اعتلای فرد و جامعه اسلامی تعریف می‌شود. از این رو انقلاب علیه حکومت طاغوتی و ایجاد حکومت اسلامی نیز نوعی از جهاد محسوب می‌شود. در واقع جهاد به مثابه انقلاب، حاصل جمع منطقی و کوچکترین مخرج مشترک انواع رویکردهای فلسفی و کلامی - فقهی شیعی است که نسبت به مسأله جهاد وجود دارد. با این تعریف و با توجه به آنچه ذکر شد، جهاد سیاسی و انقلابی نوعی جهاد اصغر دفاعی در زمان غیبت معصوم است که تنها در صورتی امکان‌پذیر و ثمربخش است که قبل از آن زمینه‌های فردی (جهاد اکبر) به منظور از خودگذشتگی و مبارزه با حکومت ستمگر و دستیابی به اهداف انقلاب وجود داشته باشد و در آن هم روش تبلیغی و هم، در صورت لزوم، روش مسلحانه جهاد به کار گرفته می‌شود. با این اوصاف، در ادامه با مبنا قرار دادن چارچوب مفهومی «جهاد به مثابه انقلاب»، به مطالعه روش مبارزه در انقلاب اسلامی خواهیم پرداخت.

شکل شماره ۱ نقش جهاد در تحقق انقلاب



## یافته‌های پژوهش

### ۱- تبیین ابعاد جهاد به مثابه انقلاب

الف) ابعاد جهاد به مثابه انقلاب از منظر موضوعی: جهاد اکبر و جهاد اصغر با توجه به آنچه موضوع تحقق جهاد قرار می‌گیرد، سخن از دو گونه جهاد به میان می‌آید. جهاد اکبر یا جهاد با نفس و جهاد اصغر. جهاد اکبر پایه و اساس جهاد اصغر و از جمله موضوعاتی است که از گذشته‌های دور تا به امروز مورد توجه علمای شیعه بوده‌است. شیخ حر عاملی در کتاب *وسائل الشیعه*، بحث گسترده‌ای را تحت عنوان «ابواب جهاد النفس و ما یناسبه»<sup>۱</sup> (العاملی، ۱۴۰۱: ۱۲۲-۳۹۲) مطرح کرده و در آن احادیث اخلاقی متعددی را در موضوعاتی همچون مبارزه با نفس، و فضائل اخلاقی چون توکل، تقوا، ورع، عفت، تواضع، و... ذکر کرده‌است. در ابتدای این بخش، در خصوص اهمیت مجاهده در مسیر تزکیه نفس، به حدیثی از پیامبر اشاره شده که، خطاب به یاران‌شان که از جنگ با کفار بازگشته‌اند، می‌فرماید: خوشامد می‌گویم به مردمانی که جهاد اصغر را گذراندند ولی جهاد اکبر همچنان بر عهده آنان باقی مانده‌است. عرض شد: ای رسول خدا! جهاد اکبر چیست؟ فرمود: جهاد با نفس (العاملی، ۱۴۰۱: ۱۲۲).

سخنان بنیان‌گذار انقلاب اسلامی، امام خمینی، خطاب به طلاب در سال‌های تبعید در نجف، که قبل از پیروزی انقلاب در قالب کتاب جهاد اکبر یا مبارزه با نفس انتشار یافت، (امام خمینی،

۱ جهاد با نفس و آنچه در ارتباط با آن است.



۱۴۳۵ ه.ق). نیز نشان‌دهنده آن است که ایشان به جهاد اکبر و تهذیب اخلاق فردی خود و سایر رهبران آینده بیش از مبارزه و جهاد اجتماعی در راه سقوط رژیم پهلوی اهمیت می‌دادند، چراکه در قسمتی از سخنرانی ایشان آمده است: «شما که امروز در این حوزه‌ها تحصیل می‌کنید و می‌خواهید فردا رهبری و هدایت جامعه را به عهده بگیرید، خیال نکنید تنها وظیفه شما یاد گرفتن مشتی اصطلاحات می‌باشد، وظیفه‌های دیگری نیز دارید ... از شما توقع است که وقتی از مرکز فقه رفتید، خود مهذب و ساخته شده باشید، تا بتوانید مردم را بسازید و طبق آداب و دستورات اخلاقی اسلامی آنان را تربیت کنید. اما اگر خدای نخواستہ در مرکز علم خود را اصلاح نکردید، معنویات کسب ننمودید، به هر جا که بروید، العیاذ باللہ، مردم را منحرف ساخته، به اسلام و روحانیت بدبین خواهید کرد» (امام خمینی، ۱۴۳۵: ۱۵).

بعد دیگر جهاد که به موضوع و قلمروی این فریضه دینی مربوط می‌شود، جهاد اصغر از نوع جهاد با کفار، ستمگران و طواغیت به منظور دفاع از اسلام و حراست از جان و مال و ناموس مسلمانان است. این جهاد به مفهوم «قتال با کفار برای پیروزی اسلام و اعلاهی کلمه الله است» (الرکابی، ۱۴۱۸ ه.ق/۱۹۹۷ م: ۱۶). در *المختصر النافع* در مورد این نوع جهاد آمده است: «جهاد در سه موقعیت واجب می‌شود؛ اول، در صورت وجود بغات یا سرکشان که به نافرمانی و خروج بر امام عادل یا کسی که از سوی او نصب شده باشد اقدام کنند. دومین موقعیت به مبارزه با اهل- کتاب، تا زمانی که بپذیرند جزیه پردازند، برمی‌گردد و سومین موقع وجوب جهاد هنگامی است که بعد از دعوت غیر اهل کتاب به اسلام با در نظر گرفتن کم‌ترین خطر برای مسلمانان با اجازه امام معصوم، مبادرت به مبارزه شود» (محقق حلی، ۱۴۰۲: ۱۱۰). از سوی دیگر، جهاد اصغر محدود به جهاد نظامی نیست و جنبه‌های دیگری نیز دارد؛ جهاد سیاسی، جهاد فکری و علمی، جهاد اقتصادی و جهاد اجتماعی ابعاد دیگر جهاد اصغر است (خامنه‌ای: ۱۳۸۷/۷/۱۰).

باید دانست که از منظر عالمان شیعه جهاد اکبر اساس و مبنای جهاد اصغر یا مبارزات اجتماعی است. زیرا مبارزه بدون خودسازی و تهذیب نفس راه به‌جایی نخواهد برد (صدر، ۱۳۸۸: ۲۸۶).

#### ب) ابعاد جهاد به مثابه انقلاب از منظر کارکردی: جهاد ابتدایی و جهاد دفاعی

با توجه به کاربرد و چگونگی استفاده از جهاد اصغر، غالب فقیهان آن را به دو گونه دفاعی و ابتدایی (رهایی‌بخش) تقسیم کرده‌اند و احکام خاصی را بر هر یک وضع کرده‌اند. چنان‌که

صاحب جواهر علاوه بر اشاره به معنای عام جهاد، که عبارت از اعتلای کلمه اسلام و اقامه شعائر ایمان است، بذل مال و جان در راه مبارزه با مشرکان و یاغیان را جهاد در وجه خاص دانسته و آن را به دو نوع دفاعی و ابتدایی تقسیم کرده است (نجفی، ۱۳۷۴: ۳). در همین ارتباط، امام خمینی در کتاب کشف/سرار به انتقاد از برداشت‌های نادرست درباره احادیث مربوط به جهاد، که منجر به پذیرش حکومت طاغوت از سوی مسلمانان می‌شود، پرداخته است. ایشان احادیثی که جهاد در برابر حاکم جائز را موکول به ظهور قائم می‌کنند را مربوط به جهاد ابتدایی دانسته است. از نظر امام خمینی، حضور معصوم برای صدور جواز جهاد ابتدایی الزامی است، اما نوع دیگر از جهاد، که مورد اشاره امام (ره) قرار گرفته، به دفاع از دین، جان، مال و ناموس مسلمانان در مملکت اسلامی برمی‌گردد که به آن جهاد دفاعی گفته می‌شود و برای عمل کردن به این واجب دینی بنا به حکم عقل و آیات و روایات نیازی به مجوز معصوم وجود ندارد (امام خمینی (ره)، بی تا: ۲۲۹). لذا مقابله با رژیم پهلوی در نگاه امام و تحقق انقلاب از نوع جهاد دفاعی یعنی دفاع در برابر ظلم و بی‌عدالتی و سلطه بیگانه، یعنی استعمار و استبداد است.

ج) ابعاد جهاد به مثابه انقلاب از منظر روشی: جهاد مسلحانه و جهاد غیر مسلحانه  
چون جهاد در راه خدا در آیات بسیاری از قرآن، به جای جهاد مسلحانه با جان و مال آمده، بعضی تصور کرده‌اند که جهاد در راه خدا منحصر به پیکار مسلحانه یا جهاد نظامی بوده، در صورتی که قرآن بارها جهاد را به مفهومی وسیع‌تر و گسترده‌تر از جنگ یا اقدام مسلحانه به کار برده است. مثلاً می‌فرماید: «ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ هَاجَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا قُتِلُوا ثُمَّ جَاهَدُوا وَصَبَرُوا إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَعَفُورٌ رَحِيمٌ» (نحل، ۱۱۰). بی‌گمان پروردگارت برای کسانی که پس از دیدن آزار و شکنجه مهاجرت کرده، آنگاه جهاد کردند و مقاومت ورزیدند، پس از این آمرزنده مهربان است یا می‌فرماید: «وَ الَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ» (عنکبوت: ۶۹) و کسانی که در (راه) ما جهاد کردند پس حتماً آنان را به راه خویش هدایت می‌کنیم، و بی‌گمان خدا با نیکوکاران است یا: «فَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَ جَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا» (فرقان: ۵۲) پس فرمان کافران را مبر و به وسیله آن (قرآن) با ایشان جهاد کن، جهادی بزرگ. اینها نمونه آیاتی است که در مکه و پیش از صدور اجازه جهاد مسلحانه فرود آمده و طبعاً مقصود از جهادی که در آن به کار رفته جهاد با جنبه‌های متعدد غیرمسلحانه است (فارسی، ۱۳۶۱: ۱۵۷).

«مبارزه اعتقادی در میان انواع مبارزات تشکیل دهنده جهاد غیرمسلحانه، برترین مقام را حایز است، زیرا هم عامل اساسی تکوین نیروی مجاهد و هم مقدمه و اساس جهاد آزادی‌بخش و جهاد

داخلی است. مهم‌ترین منبع جهاد اعتقادی قرآن و مهم‌ترین روش آن تبلیغات است. به‌همین جهت، جهاد آزادی‌بخش که ماهیت اعتقادی دارد، الدعوه الی الاسلام - دعوت کردن به خدا و قوانین و دینش - خوانده شده که کار تبلیغاتی است. اولین دستوری که برای مبارزه به پیامبر رسید دستور مبارزه اعتقادی به کمک قرآن بود: وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا - با کفار به وسیله آن (قرآن)، جهاد کن جهادی بزرگ. وصف جهاد بزرگ هم دلیل بر اهمیت و عظمت آن است. پیامبر به مسلمانان دستور داده است که جاهدوا الکفار بایدیکم والسنتکم - با کفار به وسیله نیروهایتان و زبانتان جهاد کنید، یعنی جهاد اعتقادی - تبلیغاتی. (فارسی، ۱۳۶۱: ۱۶۴-۱۶۳).

### نقش جهاد در پیروزی انقلاب اسلامی

اگر بخواهیم شرایط اجتماعی و روان‌شناختی پیدایی انقلاب را در دسته‌بندی‌ای کلی بازگویم، می‌توان به این موارد اشاره کرد: وجود نارضایتی و تقاضا برای تغییر، یکپارچه شدن افکار عمومی، ظهور ایدئولوژی جایگزین، پیدایش روحیه انقلابی و رهبری و نهادهای بسیج‌گر که موجب امیدواری به پیروزی شوند (Gottschalk, 1944: 1). در توضیح این موارد باید گفت که در خصوص مورد اول انقلاب تنها با ایجاد نارضایتی به وقوع نمی‌پیوندد، بلکه روی دادن آن نیازمند سلسله عللی به‌هم‌پیوسته است که با نارضایتی عمیق آغاز می‌شود. تحقق انقلاب، علاوه بر وجود نارضایتی، نیازمند ایدئولوژی جایگزین برای تغییر حکومت است. روحیه انقلابی نیز پدیده‌ای روان‌شناختی و مرحله‌ای بالاتر از نارضایتی از وضع موجود است. با چنین روحیه و اراده‌ای است که افراد اعتمادبه‌نفس می‌یابند و در مقابل سیاست‌های سرکوب‌گرایانه حکومت می‌ایستند. به‌زعم نظریه‌پردازان انقلاب، چنانچه همه عوامل لازم برای انقلاب در سطح جامعه پدیدار گردد، اما رهبری و نهادهای بسیج‌گر وجود نداشته باشد که به فعال‌سازی و هدایت ظرفیت‌های انقلابی پردازند، انقلاب عملی نخواهد شد (عیوضی و فراتی، ۱۳۹۲: ۲۷-۲۶).

شرایط زمینه‌ساز پیروزی انقلاب اسلامی با توجه به ساخت و بافت جامعه ایرانی، متأثر از اسلام و آموزه‌های اسلامی بوده است. جهاد نیز اصل اسلامی است که مبنای مشروعیت مبارزه، راه‌وروش مبارزه و عامل بسیج‌گر و روحیه‌بخش انقلابیون بوده که همواره مورد تأکید عناصر انقلابی قرار می‌گرفته است. لذا در ادامه سعی می‌شود معیارهای زمینه‌ساز انقلاب اسلامی با در نظر گرفتن تأثیر قابل توجه آموزه اسلامی جهاد، مورد بررسی قرار گیرند.

### الف) بهره‌گیری ایدئولوژیک انقلاب اسلامی از جهاد

ایدئولوژی به معنای مجموعه‌ای از مفاهیم و مفروضه‌ها در مورد رفتار و نظام‌های اجتماعی یا دسته‌ای از اندیشه‌ها و ایده‌ها راجع به نظم و نسق سیاسی-اجتماعی و چگونگی اجرای آنهاست. اگرچه طبق این تعریف مذهب برابر با ایدئولوژی نیست، ولی در انقلاب اسلامی، از آنجا که تشیع گفتمانی سیاسی برای داوری در مورد نظم و کنش سیاسی است، به صورت ایدئولوژی سیاسی درآمده و عمل می‌کند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱: ۸۹). مذهب شیعه به دلیل ماهیت اعتراضی، اجتهادی و انقلابی خود و در برداشتن الگوهای عملی همچون عاشورا و مهدویت همواره نسبت به ولایت ظالمان و سلطه موضع منفی داشته‌است. وجوه تشابه انقلاب اسلامی و نهضت عاشورا در مبانی ایدئولوژیکشان است. مفاهیمی چون ایثار، شهادت و مبارزه با ظلم و فساد برگرفته از مکتب عاشورا هستند. همچنین موضوعاتی چون نابودی ستم و شرک و آزادی مستضعفان و پایان دادن به حاکمیت مستکبران برگرفته از اعتقاد به مهدویت است. از منظر شیعه، قیام‌ها و انقلاب‌های بیدارگرایانه از جمله اموری هستند که سبب تسریع در انقلاب حضرت مهدی (عج)، خواهد شد (حافظ نیا و همکاران، ۱۳۹۱: ۸).

برهمنی‌مبنا، از ارکان مهم ایدئولوژی اسلامی، که مبنای حرکت انقلابی ایران قرار گرفت، اصل «جهاد» است. این ارزش عالی در منظومه فکری (جهان بینی و ایدئولوژی) اسلام از جایگاه والایی دارد. قرآن کریم به صراحت مسلمانان را به قیام دعوت می‌کند و فضیلت مجاهدان را بسیار بالاتر از کسانی می‌داند که می‌نشینند و دست روی دست می‌گذارند و قدمی در راه خدا بر نمی‌دارند. یک مسلمان در بینش اسلامی اگر در هریک از مراحل کوشش برای ایجاد جامعه اسلامی یا تلاش در جهت حفاظت از آرمان‌های اسلامی و برچیدن ظلم و بی‌عدالتی کشته شود، به فیض شهادت رسیده و خود را مشمول وعده‌های اعجاب‌انگیز خدای متعال کرده‌است (فتحعلی، ۱۳۸۹: ۱۴۲). به خصوص در اسلام شیعی، عنایت خاص به جهاد شده‌است. به تعبیر امیرالمومنین، جهاد دری از درهای بهشت است که بر اولیای خاص الهی باز می‌شود و ترک کننده جهاد جامعه خواری بر تن خواهدکرد (حسنی، ۱۳۸۸: ۲۱). از آنچه در بالا ذکر شد چنین برمی‌آید که جهاد به عنوان مؤلفه‌ای از ایدئولوژی اسلامی، این ظرفیت را داراست که روح انقلابی‌گری را در پیروان مسلمان زنده کند.

### ب) نقش جهاد در تقویت روحیه انقلابیون

امام خمینی درباره نقش روحیه جهاد و شهادت طلبی در پیروزی انقلاب اسلامی فرمودند: «روحیه شهادت طلبی یک مرحمت الهی است که خدا شامل حال ملت ایران کرده است و امانتی است که باید در نگهداری آن کوشش کنیم. روحیه شهادت طلبی چیزی است که برای ما اطمینان می آورد و بر همه ابزارهای غلبه مقدم است. ملتی که شهادت برای او سعادت است، ترسی به خود راه نمی دهد، چراکه دلیلی برای ترس ندارد. ترس از کشته شدن برای چنین جامعه ای بی-معناست، زیرا بهترین عاقبت برای یک فرد، شهادت است. ترس از مغلوب شدن نیز معنایی ندارد، به دلیل اینکه به حقانیت راه خود ایمان داریم و چه غالب باشیم و چه مغلوب، می دانیم که حق هرگز از بین رفتنی نیست (امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸، ۱۰: ۱۳).

توده های انقلابی نیز به نقش جهاد در بالا بردن روحیه انقلابی توجه داشتند. یکی از نمودهای این گزاره را می توان در شعارهای انقلابی به خوبی مشاهده کرد. چنان که بر مبنای یک مطالعه آماری در مورد شعارهای انقلاب اسلامی مشخص شده که از میان ۴۱۵۳ شعار انقلابی، ۳۹۰ شعار حاوی مضامین جهاد و شهادت وجود دارد، که خود حاوی ۸۵۰ مضمون مربوط به جهاد و شهادت و ارزش های مربوط به آنها می باشند. تجزیه و تحلیل این مضامین نشان دهنده این است که حدود ۲۱ درصد آنها مربوط به ارزش های غایی، ۲۳ درصد مربوط به ارزش های ابزاری جهاد و شهادت و بقیه مضامین نیز در زمینه اعلام آمادگی برای جانبازی و شهادت در راه امام خمینی، خاستگاه اجتماعی شهیدان، اعلام آمادگی و دعوت به جهاد و شهادت و ارتباط دادن انقلاب و شخصیت های آن و فداکاری و جانبازی انقلابیون به قیام امام حسین می باشد. برای نمونه می توان به شعارهایی همچون «جهاد کن مسلمان، این سرزمین خون را، آزاد کن مسلمان»، «با اتحاد کامل آماده قیامیم، تا آخرین قطره خون فرمان بر امامیم» یا «رهبر ایران خمینی بود، راه شهیدان حسینی بود»، اشاره کرد (پناهی، ۱۳۸۵: ۸۶-۵۹). در همه این شعارهای جهادی، روح حماسی ای وجود دارد که تقویت روحیه انقلابیون را سبب شده است.

### ج) نقش جهاد در بسیج عمومی

از دیگر کارکردهای جهاد در شکل گیری انقلاب اسلامی، می توان به زمینه سازی برای بسیج فراگیر توده ای و آماده کردن مردم جهت قدم گذاشتن در راه انقلاب و تحمل هزینه های آن اشاره کرد.

در بهار ۱۳۵۷ که شاه در مصاحبه با یکی از خبرنگاران اعلام کرد: «هیچ قدرتی نمی‌تواند مرا برکنار کند، هفتصد هزار نیروی نظامی از من پشتیبانی می‌کنند... من قدرتمندم»، روزنامه‌اشنگتن پست نیز بر این ادعا صحه گذاشت و در مقاله‌ای چنین نوشت: «اکثر ناظران خارجی و مخالفان بر این باورند که قدرت و توانایی شاه برای دفع هر نوع تهدید علیه رژیمش بیش از اندازه است.» (نجاتی، ۱۳۷۱: ۷۴). مجموعه تظاهرات چهلم‌ها نیز این واقعیت را تأیید می‌کرد که شاه از کشتن و سرکوب معترضان ابایی ندارد. در چنین شرایطی، مبارزه بدون اعتقاد به ارزش‌ها و اهدافی که از جان انسان بالاتر باشد، امکان‌پذیر نیست. لذا گروه‌هایی که ایدئولوژی مادی داشتند منفعل شده بودند، چنان‌که سفیر آمریکا، سولیوان، نیز در کتاب خاطراتش می‌نویسد: «مراسم چله شهیدان و تظاهراتی که هر چهل‌روز یک‌بار به این مناسبت برگزار می‌شد، در ابتدا کاملاً رنگ مذهبی داشت و گروه‌های سیاسی مخالف اعم از لیبرال‌ها، سوسیالیست‌ها، دموکرات‌ها یا کمونیست‌ها در آن نقشی نداشتند.» (سولیوان، ۱۳۶۱: ۱۰۰).

از این‌رو، رهبران انقلاب و سازمان‌دهندگان به مبارزات ضد رژیم پهلوی همواره می‌کوشیدند مسیر مبارزات اسلامی را از هرگونه توجهات مادی و روش‌های رایج در کشمکش‌های سیاسی متعارف در دنیا پاک و منزله نگه دارند و عرفان و جهاد اسلامی را همراه هم پیش ببرند. به‌همین دلیل، در زمان‌های خاصی مانند ماه‌های رمضان و محرم، که عموم مردم در پی عبادات و آیین‌های سوگواری امام حسین به‌لحاظ روحی و عاطفی از دلبستگی‌های دنیا رهاتر از گذشته می‌شوند، موج اعتراضات و مبارزات شتاب فزاینده‌ای به خود می‌گرفت. برای مثال، هنگامی که ماه رمضان ۱۳۵۷ فرا رسید، جنبه‌های مذهبی انقلاب نمود بیشتری یافت، به‌گونه‌ای که تظاهرات‌های گسترده‌ای به یاد شهیدان انقلاب برگزار شد و در اغلب آنها از مردم خواسته شد تا کسانی که معتقد به خدا، آگاه به فلسفه شهادت امام حسین و نیز خواهان برقراری عدالت در جامعه هستند، برای انهدام خاندان پهلوی متحد شوند. در پایان ماه رمضان، حدود ۲۰۰ هزار نفر در خیابان‌ها به راه افتادند و درحالی‌که کفن به تن داشتند، فریاد می‌زدند که آماده‌اند جان خود را در راه دین قربانی کنند (کوشکی، ۱۳۸۸: ۶۲).

#### د) رهبری و سازمان‌دهی حرکت‌های انقلابی بر پایه جهاد

ویژگی‌های رهبری امام خمینی در همه جنبه‌های شخصیتی، اعتقادی و عملکردی گویای ماهیت انقلاب اسلامی ایران است. او تربیت‌یافته مکتب اسلام بود و تنها به تکلیف الهی خود عمل

می‌کرد. مقابله با محمدرضا شاه را وظیفه دینی خود و مردم می‌دانست و منبع الفاکتنده روش‌های مبارزاتی وی نیز اندیشه اسلامی بود (ملکوتیان، ۱۳۸۹: ۲۹۱). بی‌تردید نقش رهبری امام خمینی در به‌ثمر رساندن انقلاب اسلامی بی‌بدیل بوده و از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. اما از این موضوع نیز نباید غفلت کرد که راه‌اندازی و مدیریت انقلابی در این ابعاد، آن هم در مقابل حکومت مقتدر پهلوی، نیاز به سازمان‌دهی جمعی و مدیریت سازمانی برای بسیج عمومی داشته‌است.

آبراهامیان معتقد است که ستون فقرات نهضت آیت‌الله خمینی را اعضای طبقه متوسط سنتی، به ویژه بازاریان و روحانیون، تشکیل می‌دادند. بازاریان و نهادهای دینی که تا آن هنگام تنها بخش‌های مستقل از دولت بودند، امکانات مالی بسیار و شبکه سازمانی گسترده‌ای را در اختیار آیت‌الله خمینی قرار دادند. خلاصه آنکه دولت در آستانه انقلاب همه گروه‌های سیاسی را برهم زده و اعضای اصلی آنها را سرکوب کرد، اما هنوز بر بازار، مساجد و وعاظ و سخنرانان این مساجد مسلط نشده بود (آبراهامیان، ۱۳۸۷: ۶۵۷). به‌علاوه، کانون مبارزه، به اذعان همه تحلیل‌گران انقلاب اسلامی، مساجد، نمازهای جماعت، مجالس وعظ و خطابه بوده‌است که نقش روحانیت و فرهنگ اسلامی شیعی را در بسیج سیاسی مردم در جریان انقلاب اسلامی نشان می‌دهد (حسنی، ۱۳۸۸: ۲۸). به‌همین دلیل امام خمینی بیشترین توصیه‌های خود را در مورد روحانیت قبل از انقلاب مطرح کرده‌است. این امر بیشتر به دلیل نقش روحانیت در هدایت مردم در سال‌های منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی بود. در تحلیل محتوای توصیه‌های امام به این قشر واژگانی همچون مبارزه، مقاومت، وحدت و استقلال (که افق معنایی یکسانی با جهاد دارند)، در پیام‌ها، بیانات و مصاحبه‌ها به کرات مورد تأکید قرار گرفته‌است. اینها واژگانی انقلابی و برانگیزاننده برای اقدام در مقابل رژیم شاهنشاهی، وحدت در حفظ شرایط داخلی و دستاوردهای انقلاب هستند (فوزی و قریانی، ۱۳۹۳: ۹۱).

در اندیشه امام خمینی (ره) ابتدا، نه مبارزه مسلحانه مطرح بود و نه تشکیل احزاب سیاسی، بلکه او در آغاز به تأسی از نهضت انبیا جهاد فرهنگی را برگزید. امام راحل با توجه به بافت فرهنگی و اجتماعی ایران در سال‌های پایانی رژیم پهلوی که بیان‌گر اشتراک مذهبی اکثریت و عدم تعارض مذهبی و داشتن انسجام درونی در چارچوب

دین اسلام بود، به نشر اصول اندیشه سیاسی اسلام، به ویژه فقه سیاسی شیعه، در جامعه‌ای که اکثریت قریب به اتفاق اعضای آن با اسلام مأنوس بودند پرداختند (شاه علی، ۱۳۹۵: ۷۳).

با وجود اینکه در شرایط معمول و طبیعی، امام جهاد مسلحانه را هیچگاه به صلاح ندانسته و توصیه نکرده‌اند. اما این هرگز به معنای نفی جهاد دفاعی مسلحانه در اندیشه و عمل امام خمینی (ره) نیست. چنان‌که می‌توان به اعلامیه ۲۱ بهمن ۱۳۵۷ که از سوی ایشان در پی درگیری مسلحانه مردم و گارد شاهنشاهی صادر شده اشاره کرد: «ملت شجاع ایران! اهالی محترم تهران! به طوری که می‌دانید اینجانب بنا دارم که مسائل ایران به طور مسالمت‌آمیز حل شود، لکن دستگاه ظلم و ستم چون خود را به حسب قانون محکوم می‌بیند دست به جنایت زده و... من با آنکه هنوز دستور جهاد مقدس نداده‌ام و نیز مایلیم تا مسالمت حفظ و قضایا موافق آرای ملت و موازین قانون عمل شود لکن نمی‌توانم تحمل این وحشیگری‌ها را بکنم و اخطار می‌کنم که اگر دست از این برادرکشی بردارند و لشکر گارد به محل خودش برنگردد و از طرف مقامات ارتش این تعدیات جلوگیری نشود، تصمیم آخر خود را (صدور حکم جهاد مسلحانه) به امید خدا می‌گیرم و مسئولیت آن با متجاسرین و متجاوزین است و...» (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۲۱/۶-۱۲۲).

از سوی دیگر، موضع‌گیری‌های امام با پذیرش گسترده و جهادی مردم مسلمان مواجه شد. چنان‌که شایگان به نقل از منوچهر محمدی می‌نویسد: در ایران تنها عده معدودی که وابستگی بسیار نزدیک به رژیم شاه داشتند سکوت کردند و دیگر اقشار مردم ائم از کارگر و کارمند، دانش‌آموز، شهری و روستایی بدون هیچ ائتلاف یا گروه خاصی وارد انقلاب شدند. تبلور عینی این وحدت در تظاهرات عید فطر و تاسوعا و عاشورا در سال ۱۳۵۷ بود. در عید فطر، شهر تهران، که بیشتر شبیه شهرهای اروپایی بود، آرمان‌های خود را در روحانیت و مذهب بازشناخت و حتی افرادی که چندان مذهبی هم نبودند، فریاد الله اکبر سر دادند و این حرکت سر تا سر کشور را در بر گرفت (شایگان، ۱۳۸۷: ۱۳۳). این حمایت‌های گسترده مردمی از نهضت و روحیه مبارزه‌طلبی و جهادگونه توده‌های مردم امام را چنان خرسند ساخته بود که به شاه هشدار داد: «اشتباه نکنید، اگر خمینی هم با شما سازش کند، ملت اسلام با شما سازش نمی‌کند» (ملایی



توانی، ۱۳۸۰). سرانجام نیز استقامت، سازش‌ناپذیری امام و ملت انقلابی، که ریشه در فرهنگ جهادی داشت، نتیجه داد و در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، انقلاب اسلامی تحقق یافت.

### نتیجه‌گیری

در پژوهش‌هایی که تا پیش از این با موضوع انقلاب اسلامی صورت گرفته توجیهی به روش تحقق انقلاب نشده‌است. لذا در این مقاله تلاش شد تا در جهت رفع این خلأ پژوهشی گام برداشته شود و با طرح بحثی تازه در مورد جهاد به‌مثابه روش در روند تکوین انقلاب اسلامی، زمینه برای پژوهش‌های بعدی فراهم شود. آنچه در این مقاله سعی شده به عنوان یکی از ابعاد مهم جهاد معرفی شود، جهاد انقلابی است، که در پیروزی انقلاب اسلامی روش مبارزه بوده‌است. بررسی جریان مبارزات در روند انقلاب اسلامی، شامل راهبردها، مواضع، شعارها و رفتارهای کنشگران انقلابی مسلمان نشان داد که در همه موارد از آموزه جهاد الهام گرفته شده‌است و از منظر مردم ایران، مبارزه در راه انقلاب اسلامی نوعی جهاد قلمداد می‌شده‌است. چراکه انقلاب اسلامی قیامی سرسختانه علیه ظلم و در راستای اعتلای اسلام بوده و از این نظر نوعی جهاد به حساب می‌آمده‌است.

جهاد به‌مثابه انقلاب، جامع جمیع جهات جهاد است و ضوابط منحصربه‌فردی دارد که امام خمینی (ره)، که رهبری توانمند و فقیهی آگاه بود، به آنها توجه داشته و در فرایند انقلاب آنها را به‌موقع اجرا کرده‌است. به‌این‌ترتیب که تحقق این نوع جهاد مستلزم تهذیب نفس انقلابیون به‌ویژه رهبران و سازمان‌دهندگان قبل از وارد شدن به روند مبارزه دارد، چراکه آنان باید برای اهداف متعالی انقلاب پس از تشکیل حکومت اسلامی، آماده باشند. همچنین، جهاد در جهت پیروزی انقلاب از سنخ جهاد دفاعی است چراکه در جهت حراست از جان و مال و ناموس مسلمانان و در زمان غیبت امام معصوم صورت می‌گیرد. علاوه‌براین، روش این بُعد از جهاد به تأسی از نهضت‌های انقلابی پیامبران مبارزه فرهنگی و تبلیغی است و تنها در شرایط اضطراری، درگیری مسلحانه تجویز می‌شود.

یافته‌های دیگر پژوهش بیانگر این است که ایدئولوژی، رهبری و سازماندهی و بسیج انقلابی، که عناصر تشکیل‌دهنده روش تحقق انقلاب‌اند، همگی متأثر از جهاد بوده‌اند. ایدئولوژی انقلابی برگرفته از فرهنگ شیعه و برخوردار از الگوهای جهاد و حماسه است که بارزترین نمونه‌های آن در «مکتب عاشورا» و «مهدویت» متجلی شده‌است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که این

ایدئولوژی غنی از جهاد و مقاومت در راه حق انگیزه‌ها و روحیه انقلابیون را در راه مبارزه با طاغوت تقویت می‌نمود و همراه با باور به جهاد مقدس، باعث قیام و بسیج مردمی شده و زمینه‌ساز شکل‌گیری انقلاب گردید.

## منابع

- قرآن کریم.
- آبراهامیان، یرواند (۱۳۸۷)، *ایران بین دو انقلاب*، تهران: نشر نی.
- پناهی، محمدحسین (۱۳۸۵)، «ارزش‌های جهاد و شهادت در شعارهای انقلاب اسلامی»، *فصلنامه نامه علوم/اجتماعی*، شماره ۲۹: ۹۰-۵۹.
- جمشیدی، محمدحسین (۱۳۸۹)، *مبانی اندیشه نظامی در اسلام*، تهران: انتشارات دانشگاه جامع امام حسین(ع).
- حافظنیا، محمدرضا؛ احمدی‌پور، زهرا و بویه، چمران (۱۳۹۱)، «انقلاب اسلامی و پیدایش ژئوپولوتیک جدید ایران»، *فصلنامه پژوهشنامه انقلاب اسلامی*، سال ۲، شماره ۵: ۲۳-۱.
- حسنی، مهدی (۱۳۸۸)، «بررسی رابطه فرهنگ سیاسی شیعه و پیروزی انقلاب اسلامی»، *فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی*، سال ۵، شماره ۱۷: ۹۷-۶۹.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۷/۰۷/۱۰)، بیانات در دیدار مسئولان نظام به مناسبت عید فطر، بازیابی شده در تاریخ: ۱۳۹۵/۰۳/۲۲، <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3905>
- خرمشاد، محمدباقر (۱۳۸۴)، *اندیشمندان علوم/اجتماعی و انقلاب اسلامی ایران*، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- خمینی (امام)، سیدروح‌الله (۱۳۷۸)، *صحیفه امام*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- خمینی (امام)، سیدروح‌الله، بی‌تا، *کشف اسرار*، قم: انتشارات آزادی.
- خوشروزاده، جعفر (۱۳۸۸)، «میشل فوکو و انقلاب اسلامی، رویکردی فرهنگی از منظر چهره‌های قدرت»، *مجله اندیشه انقلاب اسلامی*، شماره ۷ و ۸: ۱۹۱-۱۷۴.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۹۱)، *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: انتشارات سمت.
- ذوالفقاری، ابوالفضل و میرزایی، حسن (۱۳۹۳)، «فوکو و انقلاب اسلامی ایران (۱۹۷۹)»، *مدل‌سازی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران براساس دیدگاه‌های میشل فوکو*، *فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی*، سال ۱۱، شماره ۳۷: ۸۲-۶۳.

- رمضان نرگسی، رضا (۱۳۸۸)، «دغدغه‌های میشل فوکو درباره انقلاب اسلامی ایران»، فصلنامه آموزه، شماره ۷: ۱۶۹-۱۲۱.
- سولیوان، ویلیام (۱۳۶۱)، *مأموریت در ایران*، ترجمه محمود طلوعی، تهران: نشر هفته.
- شاه‌علی، احمدرضا (۱۳۹۵)، «راهبرد مبارزاتی امام خمینی (ره): بسیج سیاسی مردم»، فصلنامه پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال ۶، شماره ۱۸: ۷۵-۵۷.
- شایگان، فریبا (۱۳۸۷)، «برسی ویژگی‌های مشارکت‌کنندگان در انقلاب اسلامی ایران»، فصلنامه علوم/اجتماعی، شماره ۴۲ و ۴۳: ۸۹-۱۱۵.
- شهیدی، سیدجعفر (۱۳۷۶)، *قیام حسین (ع)*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- عدالت‌نژاد، سعید و نظام‌الدینی، سیدحسین (۱۳۹۰)، «سلفیان تکفیری یا الجهادیون: خاستگاه و اندیشه‌ها»، فصلنامه تاریخ و تمدن اسلامی، سال ۷، شماره ۱۳: ۱۹۴-۱۶۵.
- صدر، سیدمحمدباقر (۱۳۸۸)، *سنت‌های تاریخ در قرآن*، ترجمه سید جمال موسوی اصفهانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- عیوضی، محمدرحیم و فراتی، محمدجواد (۱۳۹۲)، *درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران*، قم: نشر معارف.
- فارسی، جلال‌الدین (۱۳۶۱)، *انقلاب تکاملی اسلام*، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- فارسی، جلال‌الدین (۱۳۵۷)، *واحد‌های بشری در رابطه با جهاد داخلی*، تهران: نشر ندا.
- فتحعلی، محمود (۱۳۸۹)، *درآمدی بر نظام ارزشی و سیاسی اسلام*، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- فوزی، یحیی و قربانی، فاطمه (۱۳۹۳)، «تحلیل محتوای کمی و کیفی مصاحبه‌ها و پیام‌های امام خمینی (ره) بر اساس صحیفه امام»، فصلنامه اندیشه سیاسی در اسلام، سال ۱، شماره ۲: ۱۰۲-۷۵.
- فوکو، میشل (۱۳۹۲)، *ایرانی‌ها چه رویایی در سر دارند؟*، ترجمه حسین معصومی همدانی، تهران: انتشارات هرمس.
- قادری، حاتم (۱۳۸۷)، *اندیشه‌های سیاسی در اسلام و ایران*، تهران: انتشارات سمت.
- محمدمیرزایی، حسن و ابوطالبی، مهدی (۱۳۹۳)، «آسیب‌شناسی مبانی فکری و ایدئولوژیکی جنبش‌های اخیر منطقه خاورمیانه در یک بررسی تطبیقی با مبانی فکری و ایدئولوژیکی انقلاب اسلامی ایران»، فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی، سال ۳، شماره ۱۱: ۱۹۱-۱۷۳.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۹)، *آینده انقلاب اسلامی ایران*، تهران: انتشارات صدرا.
- ملایی توانی، علیرضا (۱۳۸۰)، «فرایند گرایش به انقلاب در اندیشه سیاسی امام خمینی»، مجله متین، شماره ۱۳: ۲۱۲-۱۷۹.

- ملکوتیان، مصطفی (۱۳۸۹)، «ایدئولوژی و رهبری و تأثیر آن بر پیروزی سریع، ثبات پایدار و بازتاب جهانی انقلاب اسلامی»، فصلنامه سیاست، دوره ۴۰، شماره ۲: ۳۰۵-۲۸۷.
- نجاتی، غلامرضا (۱۳۷۱)، تاریخ بیست و پنج ساله ایران (از کودتا تا انقلاب)، ج ۲، تهران: نشر رسا
- یزدانی، عنایت‌الله و شیخون، احسان (۱۳۸۹)، «انقلاب اسلامی ایران و پدیده تروریسم»، فصلنامه سیاست خارجی، سال ۲۴، شماره ۱: ۲۲۰-۲۰۱.
- ابن منظور، أبوالفضل جمال الدین محمد بن مکرم بن علی (۱۴۱۴هـ.)، لسان العرب، بیروت: دارصادر.
- انیس، ابراهیم، صوالحی، عطیه، خلف‌الله احمد، محمد و منتصر، عبدالحلیم (۱۴۲۵)، معجم الوسیط، قاهره: مجمع اللغة العربیه.
- خمینی (امام)، سیدروح‌الله (۱۴۲۵)، الجهاد الاکبر او جهاد النفس، طهران: مؤسسه تنظیم و نشر تراث الامام الخمینی.
- العاملی، محمد بن الحسن الحر (۱۴۰۱)، وسائل الشیعه، تصحیح و تحقیق عبد الرحیم ربانی شیرازی، طهران: مکتبه الاسلامیه.
- علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر (۱۴۰۲)، المختصر النافع، طهران: قسم الدراسات الاسلامیه فی مؤسسه البعثه.
- محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۴۰۲هـ.)، المختصر النافع، قم: مؤسسه بعثت.
- معلوف، لوئیس، (۱۹۳۱)، المنجد، بیروت: مطبعه الکاثولیکیه للباء الیسوعیین.
- نجفی، محمد حسن بن باقر (۱۲۷۴)، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، ج ۲۱، بی‌جا: بی‌نا.
- نهج البلاغه، (۱۴۱۹هـ.)، گردآوری و اختیار سیدشریف رضی، قم: دارالتقلین للطباعه و النشر.
- Berkley Center for Religion, Peace, and World Affairs (2013), Iran: Religious Elements of the 1979 Islamic Revolution. (12/03/2012), <http://berkleycenter.georgetown.edu/resources/classroom>.
- Gottschalk, Louis. (1944). "Causes of Revolution", *American Journal of Sociology* 50, no. 1: 1-8.
- Skocpol, T. (1982). "Rentier state and Shi'a Islam in the Iranian Revolution", *Theory and society*, 11(3): 265-283.